

گفتگو، راهبرد رسیدن به آرمان وحدت اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۵

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۲/۰۳

امید حسین خانی^۱

محمد رجایی نژاد^۲

چکیده

آرمان وحدت اسلامی از دیرباز همواره دغدغه بسیاری از اندیشمندان مسلمان بوده است. راهکار بنیادین این متفکران، برای رسیدن به این مهم، تلاش برای نزدیکی مسلمانان با ایجاد گفتگوهای فراگیر در سطوح مختلف نخبگان دینی و فرهنگی و سران سیاسی بوده است. گفتگو را می‌توان در سطح علمای مذهبی بر پایه اشتراکات نیرومند دینی و در میان نخبگان فرهنگی بر پایه عناصر فرهنگی در حوزه تمدن اسلام و در سطح سران سیاسی بر پایه منافع استراتژیک سیاسی و اقتصادی ایجاد و تقویت نمود. این نزدیکی و تعامل همواره در خود نگرانی‌های هویتی را حمل می‌کند. لذا با تعریف دقیقی از گفتگو و وحدت می‌توان، این اطمینان خاطر را در میان علمای مذاهب اسلامی فراهم کرد که وحدت به عنوان ثمره گفتگو نه یکسان سازی مذاهب و نه استیلای یک فرهنگ یا یک مذهب بر دیگر مذاهب است. بلکه باید به گفتگوی مذهبی به عنوان یک راهبرد در برجسته ساختن اشتراکات و کم رنگ کردن وجوه افتراق میان مسلمانان برخورد کرد تا راه وحدت مسلمانان هموار گردد.

واژگان کلیدی؛ گفتگوی بین مذاهب اسلامی، وحدت اسلامی، برادری، اندیشمندان مسلمان.

۱. دانش آموخته علوم سیاسی (گرایش مطالعات اروپا)

۲. دکتری تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب قم

مفهوم شناسی وحدت

در اصطلاح علوم اجتماعی، وحدت را به معنای یگانه و یکی شدن دو یا چند گروه، حزب و مذهب می‌دانند که در اصول مشترک، همسو بوده و به عقاید دیگر مذاهب یا دیگر احزاب احترام بگذارند (موسوی، ۱۶). اخوت به معنای برادری، از واژه‌های هم‌عرض با وحدت است. در فرهنگ قرآنی به تناسبی که بین افراد خاص وجود دارد و زمینه ساز وحدت و همدلی است اخوت گفته می‌شود، قرآن کریم مومنان را با هم برابر دانسته و به اصلاح روابط میان دو فرد یا دو گروه از برادران دینی تاکید دارد (حجرات، ۱۰). از دیگر کلمات هم‌عرض با وحدت، الفت به معنای انس گرفتن، دوستی، خوگرفتن، با هم آمیختن و سازواری است (دهخدا، ۲/۲۷۵۶). قرآن کریم در رابطه با ایجاد الفت در میان دل‌ها، زمانی که بینشان دشمنی وجود دارد اشاره می‌کند (آل عمران، ۱۰۳). واژه حزب به معنای دسته و گروه (دهخدا، ۶/۸۲۳) در قرآن کریم مترادف با وحدت دیده شده است. از منظر علمای اسلام، مقصود از وحدت اسلامی همبستگی مسلمانان و اتحاد پیروان مذاهب گوناگون با وجود اختلافات مذهبی، در برابر دشمنان اسلام و بیگانگان است. علامه شرف الدین (۱۲۹۰-۱۳۷۷ق) از علمای وحدت‌گرا و مجتهدین شیعه، سیاست را عامل جدایی شیعه و سنی می‌دانست و باور داشت همان سیاست، باید سبب اتحاد شیعه و سنی شود (شرف الدین، ۸). کاشف الغطاء (۱۲۹۴-۱۳۷۳ق) با تاکید بر ابعاد مختلف اخلاقی، معنوی و اجتماعی وحدت، آن را سلسله‌ای از صفات عالی درونی و اعمال می‌دانست که در عمق روح ریشه دوانیده و سراسر وجود انسان را در بر گرفته است، وی اتحاد را رشته‌ای از اخلاق و عواطف عالی انسانی می‌دانست (کاشف الغطاء، ۵۶).

وحدت و گفتگو در منابع دینی

قرآن کریم تشکیل امت واحده را به منزله‌ی زمینه و بستر واقعی «سیر الی الله» معرفی می‌کند (معزالدین، ۱۲) و با دعوت از انسان‌ها برای جمع شدن اطراف ریسمان الهی یادآور می‌شود که خداوند در میان دل‌های آنان الفت ایجاد کرد و آنها را برادر ساخت (آل عمران، ۱۰۳). بدین ترتیب خداوند پیامبران و پیروان خود را امتی واحد می‌خواند (انبیاء، ۹۲)، آنها را از تفرقه و

اختلاف در دین بر حذر می‌دارد (شوری، ۱۳) و تاکید می‌کند پیروی از راه‌های پراکنده، انسان‌ها را از مسیر وحی دور می‌سازد (انعام، ۱۵۳) و تفرقه پراکنان را به عذابی بزرگ انذار می‌دهد (آل عمران، ۱۰۵). نبی مکرم اسلام (ص) مومنان را برادرانی می‌نامیدند که خونشان برابر است (ری شهری، ۶۸/۱) و از آنها می‌خواستند تا با وحدت بر تعداد برادران خود بیافزایند (همان، ۶۹/۱). و اظهار می‌داشت کسانی که به دنبال جایگاهی در بهشت هستند باید در حفظ وحدت کوشا باشند (مقتی هندی، ۲۰۷/۱)، ایشان دستوره همراهی باجماعت می‌دادند (همان، ۲۰۵/۱) و خداوند را همراه جماعت می‌دانستند (دستی، ح ۹۸۷/۱۵۷۲) و خیر مسلمین را در جماعت و با هم بودن می‌دیدند و تفرقه را باعث عذاب می‌دانستند (نهج الفصاحه، ح ۱۰۳۵، ۱۴۱).

در میان روایات نقل شده از جانب امیرالمومنین علی (ع) توجه به وحدت و دعوت به سوی این امر بسیار به چشم می‌خورد، ایشان دستان خداوند را همراه جماعت می‌دانستند (نهج البلاغه، خ ۲/۱۲۷) و مردم را از پراکنده بودن برحذر می‌داشتند (همان) و اتحاد را عامل قدرت (همان، خ ۱/۱۴۶) و وحدت را عامل پیروزی معرفی می‌کردند و ضمن نکوهش کوفیان، دلیل پیروزی سپاه معاویه را وحدت در باطلی که به آن معتقد بودند عنوان می‌کردند (همان، خ ۲/۲۷).

محورهای گفتگو

توحید به عنوان اصل، نه تنها بین مسلمانان بلکه در میان تمام ادیان آسمانی به عنوان محور گفتگو در نظر گرفته می‌شود. ایمان به خدای یگانه، کتاب‌های آسمانی و پیامبران و روز واپسین مهم‌ترین پایگاهی است که گفتگوی جوامع اسلامی باید بر آن استوار شود (نوعی، ۱۰۱). خداوند، عامل مهم و اساسی دیگر گفتگو جهت رسیدن به وحدت بین مسلمین را "کلام الله" می‌داند و قرآن را به عنوان منبع مشترک مسلمانان معرفی می‌کند (نساء، ۸۲). کتاب الهی، مسلمانان را متعلق به امتی یکپارچه می‌داند (مومنون، ۵۲) زیرا قرآن، انسان‌ها را به همدلی و گفتگو فرا می‌خواند و الفت، مهربانی و برادری را نعمتی می‌داند که با پذیرش دین خدا از سوی پروردگار به آنها تعلق گرفته است (آل عمران، ۱۰۳).

گفتگو، راهبرد رسیدن به آرمان وحدت اسلامی ۹

اولین نقطه مشترک بین مسلمانان، ایمان به خدا و دومین نقطه، ایمان به پیامبر اسلام(ص) است. این دو نقطه مشترک می‌توانند مسلمانان را از گرداب اختلاف نجات داده و به گفتگوی مشترک و همدلی برساند، چنانکه قرآن کریم به امت اسلام توصیه می‌کند تا در صورت منازعه و اختلاف به خدا و پیامبر رجوع کنید (نساء، ۵۹). امام صادق(ع) در همین مورد تاکید دارند که امت اسلامی می‌تواند با مراجعه به قرآن و سنت، راه روشنی را برای حل اختلاف در مسائل اساسی پیدا کند (حرعاملی، ۷۹/۱۸).

از امور عبادی و نشانه‌ای از وجود وحدت در میان امت اسلامی مناسک حج است که به عنوان یکی از فروع دین در بین امت اسلام شناخته شده و نظیر این مراسم در هیچ یک از ادیان دیگر وجود ندارد، این مناسک دارای فلسفه و آثار خاصی برای مسلمانان است، حج روحیه وحدت، گفتگو و همدلی را در مسلمانان پراکنده می‌کند و باعث شکل‌گیری هم‌زمانی و گفتگوهای واحد می‌شود (موسوی، ۷۸-۷۹). قرآن کریم با اشاره مستقیم به خانه کعبه، آن را نخستین مکانی می‌داند که برای مردم در سرزمین مکه قرار داده شد و مایه برکت و هدایت جهانیان است (آل عمران، ۹۶). بسیاری از اندیشمندان و شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام نیز یکی از فلسفه‌های مهم اجتماع عظیم حج را به هم پیوستن مسلمانان جهان در مقابل طاغوت‌های زمان می‌دانند (صحیفه امام، ۳۴۰/۱۹؛ طباطبایی، ۳۶۹/۱۴) و برای تحقق چنین اهداف والایی است که در ایام حج جدال و منازعه حرام شده است (بقره، ۱۹۷).

پیشینه طرح گفتگو میان متفکران مسلمان

در سال‌ها و قرون گذشته به دلیل ضعف مسلمین در مقابل فرهنگ‌ها و حکومت‌های بیگانه، بسیاری از روشنفکران اسلامی همواره دغدغه طرح و پیگیری مسئله گفتگو و وحدت میان مسلمانان را پیگیری می‌کردند که در اینجا به برجسته‌ترین این شخصیت‌ها اشاره‌ای گذرا می‌شود:

سید جمال الدین اسد آبادی معروف به افغانی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ق) از آغازگران بیدارسازی در کشورهای اسلامی بود که دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع بینی خاصی بازگو می‌کرد و راه چاره جویی را نشان داد، او مهمترین درد جوامع اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی

معرفی و تنها راه‌هایی از این مشکلات را مبارزه با آنها عنوان می‌کرد و در این اندیشه بود که تحولاتی عمیق در اندیشه و زندگی مردم ایجاد کند (مطهری، نهضت‌های اسلامی، ۱۳-۱۴). داشتن فرهنگی اسلامی، دانستن زبان‌های متعدد بیگانه، سفرهای زیاد به خاطر رهایی و نجات جهان اسلام از دشواری‌ها و اطلاعات وسیع از اوضاع سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی کشورهای اسلامی از خصوصیات بارز سید جمال بود (همان، ۳۶-۳۷). سید جمال، عدم شکل‌گیری گفتگو میان مسلمین را دوری از اسلام راستین و قرآن کریم می‌دانست و باور داشت وحدت حکومت‌های اسلامی در سده‌های نخست به دلیل اعتقاد و توجه آنها به اسلام اصیل بوده و دلیل قطع پیوند میان مسلمانان و کشورهای اسلامی در دوران معاصر دوری آنها از اسلام است، وی تنها راه موفقیت در اتحاد جهان اسلام را ایجاد تفاهم میان عالمان مذاهب اسلامی و رسیدن به احساسی مشترک در میان آنان می‌دید، اسدآبادی برای ایجاد استحکام و ارتباط میان مسلمانان از زمامداران کشورهای اسلامی می‌خواست تا از انجام کارهایی که منجر به ایجاد وحدت و یگانگی می‌شود غافل نمانند (اسدآبادی-عبده، ۳۳-۳۵) و در این راستا از پیروان همه فرقه‌ها درخواست می‌کرد تا از اصل عقلانیت به عنوان امتیاز خاص اسلام، استفاده کنند (حلبی، ۴۵). سید جمال در زمره شخصیت‌های اسلامی بود که گفتگو میان مسلمین را بیشتر در حوزه وحدت سیاسی میان دول اسلامی جستجو می‌کرد لذا تلاش ایشان بیشتر در این زمینه قابل بررسی و ارزیابی است. نشر روزنامه «العروه الوثقی» در پاریس با تکیه بر سه اصل اتحاد مسلمانان، مخالفت با استعمار بریتانیا و اصلاح وضع داخلی ممالک اسلامی از جمله این فعالیت‌های سید جمال برای ایجاد گفتگو و وحدت در بین مسلمین بود (محیط طباطبایی، ۵۵)، سر مقاله‌های این روزنامه نتیجه تلاش فکری وی در تنظیم نقشه برای رسیدن به راهبرد وحدت اسلامی بود که در عین آمیختگی با روح مذهبی، عرفانی و سیاسی، مواد و اصول طراحی سید جمال برای اتحاد اسلامی را تشریح می‌کرد (همان، ۱۸۳).

محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ق) از بزرگ‌ترین شاگردان سید جمال الدین اسدآبادی بود که حس بیداری ملی، عشق به آزادی و اندیشه نظام حکومتی مشروطه را از سید جمال الدین الهام گرفت (حلبی، ۵۳). وی در برخورد با مساله وحدت اسلامی با سید جمال اشتراک نظر داشت و

گفتگو، راهبرد رسیدن به آرمان وحدت اسلامی ۱۱

تنها نقطه افتراق آنها، توجه عبده به بحران اندیشه مذهبی مسلمانان بود که از نقطه نظر وی در اثر برخورد با تمدن غربی ایجاد شده بود. وی باور داشت مسلمانان در اثر یک رکود چند صد ساله آمادگی خود را برای مقابله با این بحران از دست داده اند، عبده به دنبال راه حلی بود تا از یکسو مانع معرفی اسلام به عنوان سدی در برابر پیشرفت و ترقی شود و از سوی دیگر جلوی افراطی کاری هایی را که با نام انطباق اسلام با علم صورت می گرفت را بگیرد تا افراد ناآگاه، اسلام را طبق ذوق و سلیقه خود دست کاری نکنند (مطهری، نهضت های اسلامی، ۳۸). پیوستن عبده به سید جمال الدین در پاریس عامل تشکیل انجمن «عروه»، انتشار «عروه الوثقی» و شکل گرفتن مهم ترین فعالیت پان اسلامی شد (موثقی، ۱۴۲/۲)، عبده در این هفته نامه سیاسی، آرمان خود را ایجاد همدلی میان مسلمانان، دفاع از مسلمانان در مقابل تسلط خارجی ها و استبداد داخلی قرار داد (حلبی، ۵۵)، مقالات او بیشتر علیه استعمار غرب و دعوت به اتحاد اسلامی بود، وی در سفرهای خود به آفریقا تلاش بسیاری برای تشکیل انجمن عروه در آنجا و ترویج مرام پان اسلامی برای رسیدن به وحدت اسلامی کرد (موثقی، ۱۴۲/۲). «شرح نهج البلاغه» که نشانه ای پر معنی از تساهل مذهبی و دل بستگی او به یگانگی مسلمانان است از دیگر فعالیت های مهم عبده در جهت ایجاد وحدت اسلامی است، وی قائل به تساهل نسبت به ادیان یهود و مسیح بود. به گمان او یهود، مسیح و اسلام بیان کننده حقیقت هستند ولی بی گمان کاملترین حقیقت را تنها در اسلام می توان یافت (عنایت، ۱۴۱-۱۴۲). براساس همین دیدگاه، عبده با ایجاد مرکز و مجتمعی با شرکت علما و ادبای مسلمان، مسیحی و یهودی بنام «التقريب بين اهل الاسلام و اهل الكتاب» تلاش کرد تا زمینه اصلاح و تصحیح دیدگاه های پیروان ادیان نسبت به دین خود و یکدیگر را فراهم سازد و نوعی همکاری انسانی و الهی بین اهل کتاب غیر محارب در امور اجتماعی و خیریه برقرار شود (موثقی، ۲۱/۲-۲۲).

قدیمی ترین اثر مکتوب به زبان فارسی در باب اندیشه اتحاد اسلامی، رساله «اتحاد اسلام» (۱۳۱۲ق) با نگارش **شیخ الرئیس قاجار (۱۲۶۴-۱۳۳۶ق)** است (کوهستانی نژاد، ۱۷). وی که دلیل شکست های پی در پی مسلمین را غربت اسلام می دانست باور داشت تنهایی کنونی اسلام با جمعیتی میلیونی به مراتب خطرناک تر از غربت ابتدایی اسلام است (شیخ الرئیس قاجار،

(۴۵)، وی با در نظر گرفتن شرایط زمانی و عدم اتحاد مسلمانان، قدرت کفر را رو به افزایش و توان دین را رو به زوال می‌دید (همان، ۳۰) و گسترش دین را تنها راه نجات مسلمین دانسته و بهترین راه رسیدن به گستردگی دین را، دوری مسلمانان از ادامه مباحث فکری مورد اختلاف عنوان می‌کرد (کوهستانی نژاد، ۱۷).

علامه امینی (۱۳۲۰-۱۳۹۰ق) یکی از قائلین به وحدت بین مسلمین بود به اعتقاد ایشان دروغ‌ها و تهمت‌ها باعث ایجاد دشمنی میان امت اسلامی می‌شود و جماعت را از هم متفرق می‌کند که این مسئله در تضاد یا مصالح عامه مسلمین است (مطهری، ۲۱۷) همچنین ایشان در رابطه با آزادی آرا و عقاید معتقد بود که مباحثه و مجادله علمی نباید رشته اخوت اسلامی را پاره نمی‌کند (همان، ۲۱۹).

شیخ محمد شلتوت (۱۳۱۰-۱۳۸۳ق) از بزرگان اهل سنت است که به عنوان رییس دانشگاه الازهر، فقه شیعه را در کنار دروس فقه مذاهب چهارگانه تسنن قرار داد و فتوای تاریخی مبنی بر اجازه پیروی از مذهب شیعه امامی را صادر کرد، وی اظهار داشت که فعالیت‌های علمی باعث شده تا او از دریچه‌ای دیگر به اسلام نگاه کرده و حقایق بسیاری را در رابطه با دلایل موانع اتحاد مسلمانان کشف کند (حکیمی - بی‌آزار، ۱۳۱). شیخ شلتوت با اشاره به مشکلات فراوان در رابطه با تشکیل جمعیت تقریب عنوان می‌کرد که اهل تسنن فکر می‌کردند دارالتقریب می‌خواهد آنها را شیعه کند و شیعیان تصور می‌کردند تصمیم دارالتقریب دعوت آنها به سوی تفکرات اهل تسنن است، در حقیقت تعداد کمی مفهوم دارالتقریب را درک می‌کنند (همبستگی مذاهب اسلامی، ۹۳). وی پس از ۱۷ سال عضویت دائم در دارالتقریب، گام‌های مهمی در جهت رسیدن به وحدت اسلامی برداشت (حکیمی - بی‌آزار، ۱۳۱). مرگ شلتوت جهان اسلام را دچار لرزه کرد و برای نخستین بار در تاریخ اسلام اشتراک و همدردی شیعه و سنی در اندوه مرگ رییس الازهر ظاهر و آشکار شد (همبستگی مذاهب اسلامی، ۴۹).

شیخ محمد تقی قمی (۱۲۸۹ق)، پس تکمیل دروس دینی و آموختن زبان‌های فرانسوی و عربی، از ایران به مصر مهاجرت کرد و برای نزدیک کردن افکار شیعه و سنی به یکدیگر، با علمای الازهر مذاکرات و مباحثی را انجام داد. وی در سال ۱۳۲۵ش مرکز فرهنگی مهمی با نام

گفتگو، راهبرد رسیدن به آرمان وحدت اسلامی ۱۳

«دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» را در مصر پایه گذاری کرد (ذاکری، ۸۸). شیخ قمی در شرایطی به فکر تشکیل دارالتقريب افتاد که تعصب، بر افکار مردم حاکم بود، بیان هر تفکری با دشمنی و مخالفت رو به رو می‌شد و توده مردم انتظار شنیدن تقرب بين شيعه و سنی را نداشتند (بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی، ۴۳). شیخ شلتوت او را نخستین شخصی معرفی کرد که برای دعوت دیگران به وحدت، از میهن خود به شهر الازهر مهاجرت کرد و بذر وحدت اسلامی را در این شهر کاشت (همان، ۲۷). از دستاوردهای شیخ محمد تقی قمی در «دارالتقريب» نشر مجله‌ای به نام «رساله الاسلام» بود که در آن اهداف و دیدگاه‌های مشترک مذاهب اسلامی و بازشناسی مذهب تشيع و تسنن با رویکرد وحدت اسلامی تشریح می‌شد، وی این مجله را به میزگردی مکتوب بين علمای شيعه و سنی تبدیل کرد تا امکان به چالش کشیدن آرا و عقاید مذاهب مختلف اسلامی را در محیطی دوستانه فراهم سازد (خسروی، ۸۱).

آیت الله سید حسین بروجردي (۱۲۹۲-۱۳۸۰ق) از آغاز دوران مرجعیت به مسأله وحدت میان مذاهب اسلامی توجه خاصی داشت و سامان دادن مسائل مربوط به وحدت را از وظایف هر عالم شیعی می‌دانست، وی مطرح کردن برخی از مباحث از جمله اینکه چه کسی خلیفه بوده و کدام بر حق است و کدام باطل، را برای جامعه اسلامی امروز، بی فایده دانسته و به عالمان شیعه هشدار می‌داد در شرایط کنونی نگرش به مسأله خلافت، مورد نیاز مسلمانان نیست و نباید به خاطر آن درگیری ایجاد شود وی آشنایی با ماخذ اصیل احکام را از ضروریات مسلمانان در شرایط کنونی می‌دانست (اباذری، ۶۵). یکی از شاخصه‌های بارز آیت الله بروجردي توجه و علاقه فراوان وی به مسأله وحدت اسلام و حسن تفاهم و تقرب بين مذاهب اسلاميه دانسته اند؛ آیت الله بروجردي به دلیل آشنایی با تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی، می‌دانست که سیاست حکام گذشته عامل تفرقه و آتش زدن به دامنه اختلاف بوده و توجه داشت سیاست‌های استعماری با ایجاد تفرقه از آن نهایت استفاده را می‌برد، در زمان آیت الله بروجردي بعد از چند صد سال ارتباط دوستانه بين زعيم روحانی شيعه و زعيم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و پس از او شیخ محمود شلتوت رئیس جامع الازهر برقرار گردید و نامه‌هایی مبادله شد (مطهری، تکامل اجتماعی انسان، ۲۰۴-۲۰۵).

اهمیت و جایگاه استراتژیک گفتگو و وحدت مسلمین

امروزه واژه گفتگوی مذهبی از منظر استراتژیک مورد توجه قرار می‌گیرد. مفهوم استراتژی، در گذشته به کارگیری همه امکانات کشور برای دستیابی به هدف‌های نظامی بود، اما به تدریج، استراتژی از بعد نظامی محض فاصله گرفت؛ در دنیای کنونی دولت‌ها قادر نیستند تنها با استفاده از قدرت نظامی بر دشمن پیروز شوند، بلکه برای رسیدن به این مهم به مجموعه‌ای از ابزارها نیازمندند (بابایی، ۴۴). در همین رابطه، مقوله‌ی «گفتگوی اسلامی» به عنوان یکی از رویکردهای استراتژیک و راهبردی مورد توجه قرار می‌گیرد. خداوند در قرآن کریم مراقبت از انسجام و وحدت مسلمین را سفارش کرده و از فرشتگان خواسته تا اجازه ندهند بین پیروان ادیان مختلف تفرقه بوجود آید (شوری، ۱۳). از ضروریات ایجاد وحدت اسلامی، تاکید بر ولایت مؤمنان و نفی ولایت کافران و مشرکان است. قرآن کریم به صراحت قبول رهبری کفار را از جانب مسلمین مورد نکوهش قرار می‌دهد (نسا، ۱۴۴). برای مقابله با دشمنان مشترک لازم است با اتحاد اسلامی زمینه رشد و پیشرفت در تمام عرصه‌های مادی و معنوی فراهم شود و این امکان برای اسلام فراهم شود تا توانایی اش را برای حل مشکلات به اثبات برساند و در خدمت انسانیت و پیشرفت‌های فرهنگ نسل انسانی قرار گیرد (تسخیری، ۳۰). زیرا وحدت اسلامی راهبرد رسیدن به قدرت حقیقی برای مسلمانان است و پرداختن به اختلافات جزئی درونی باعث می‌شود تا چشم امت اسلامی بر راهبردهای بلند مدت بسته شده و آرمانهای عالی به فراموشی سپرده شود (حکیم، ۳۰).

در راستای لزوم وحدت میان تمامی مذاهب اسلامی، شیخ محمد ابوزهره استاد دانشگاه الازهر، گفتگوی امت اسلامی را ضرورتی مهم دانسته و معتقد است مسلمین به واسطه دور شدن از قرآن و اسلام و تعالیم آنها، دچار ضعف، ذلت و عقب ماندگی شده و به دول وابسته‌ای تبدیل شدند و تحت استعمار خودکامگان قرار گرفتند. شیخ ابوزهره تجدید حیات و نجات اسلام از غربت را ضروری می‌داند و باور دارد تکیه بر وحدت در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، ایمانی و اقتصادی دشمنان اسلام و استعمارگران را به عقب می‌راند و عزت و عظمت گذشته مسلمین را به آنها باز می‌گرداند (موتقی، ۲۲۵/۲). وی معتقد است که

گفتگو، راهبرد رسیدن به آرمان وحدت اسلامی ۱۵

دشمنان اسلام با ایجاد تفرقه بین مسلمانان و فریفتن بزرگان آنان، از تمام امکانات مسلمین از جمله منابع انسانی و طبیعی آنها به نفع خود استفاده می‌کنند و عامل پراکندگی و هرج و مرج بین امت اسلامی می‌شوند (بی‌آزار شیرازی، توحید کلمه، ۱۳۲/۱-۱۳۱). از منظر محمد ابوزهره بهترین راه مقابله با دشمنان، ایجاد گفتگو بر پایه احساسات، خواسته‌ها و انگیزه‌های روحانی و نفسانی است که در سایه دین امکانپذیر می‌گردد (موثقی، ۲۲۶/۲). وی یادآور می‌شود اگر مسلمانان زیر لوای اسلام به گفتگو و اتحاد نرسند شعله جنگ در میان شان برافروخته خواهد شد و زیر پرچمی غیر از اسلام با برادران دینی خود به جنگ و ستیز خواهند پرداخت (بی‌آزار شیرازی، توحید کلمه، ۱۳۶/۱).

موانع گفتگو میان فرق اسلامی

با توجه به وسعت جغرافیایی و تنوع کشورهای اسلامی، از جنبه‌های قومیتی، نژادی و زبانی، بروز واگرایی در جهان اسلام امری دور از ذهن نیست. اندیشمندان دلایل ایجاد فاصله و موانع گفتگوی میان کشورهای اسلامی را به دو بخش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تقسیم کرده‌اند. گسیختگی جغرافیایی، تعارضات فرهنگی (شوشتری، ۷۶)، تنوع در ساختارهای سیاسی کشورهای مسلمان (همان، ۷۷) و تفاوت در سطح توسعه و ساختارهای اقتصادی (همو، ۷۸) از جمله موارد جدایی ساز منطقه‌ای در دنیای اسلام است.

بحران هویت و رویکردهای ناسیونالیستی یکی از موانع گفتگو میان کشورهای اسلامی است، ناسیونالیسم عرب با برداشت‌های افراطی، دین اسلام را با فرهنگ عرب یکی می‌داند و باعث تشدید این بحران شده و عامل تحریک فرهنگ دیگر ملل می‌گردد (همان، ۸۸). ولی در مقابل و به جهت نشان دادن تاثیر اقوام غیر عرب بر پیشبرد فرهنگ اسلامی در تمامی قرون، ابن خلدون باور داشت بیشتر دانشوران اسلام چه در علوم فرعی و چه در دانش‌های عقلی به غیر از موارد نادر، همگی غیر عرب هستند و اگر نخبگانی هم در میان آنها عرب هم یافت شود تحت تعلیم اساتید عجم بوده‌اند (ابن خلدون، ۱۱۴۸). وجود فاصله‌های منطقه‌ای، جغرافیایی و اختلاف زبانی و نژادی، از عوامل ایجاد کننده جدایی میان کشورهای اسلامی است.

وجود نگرش‌های متفاوت ایدئولوژیک نسبت به اسلام و وجود فرقه‌های گوناگون از دیگر عوامل واگرایی میان کشورهای اسلامی است. جریان سقیفه بنی ساعده مهم‌ترین مسئله‌ای بود که موجب دسته بندی و ایجاد تفرقه میان مسلمانان شد (شهیدی، ۱۰۶). از آن زمان به بعد مسلمین به دو گروه تقسیم شدند و پس از مدتی مذاهب شیعه و سنی خود به فرقه‌های متعدد منشعب شدند، ریشه ظهور برخی از این فرقه‌های متعصب به دوران صدر اسلام باز می‌گردد. وجود فرقه‌های متفاوت از جمله وهابی‌ها، سلفی‌ها، بایبه، باطنی‌ها و دیگر گروه‌ها در دنیای کنونی اسلام عامل بروز بسیاری از تفاوت در نگرش‌های جاری کشورهای مسلمان شده‌اند (شوشتری، ۹۴).

علاوه بر این عوامل، وجود دلایل دیگری نیز بر ایجاد واگرایی میان کشورهای اسلامی تاثیرگذار است، از جمله این موارد داعیه «ام القری» اسلامی است، کواکبی اولین کسی بود که این مسئله را مطرح کرد در نظر اول، خواست او انتقال خلافت از ترکان به اعراب بود، وی باور داشت که ترکان خلافت را از اعراب غصب نموده‌اند و یکی از شرایط اصلی خلافت، قریشی بودن است (خدوری، ۳۵ و ۳۵).

گاهی مانع گفتگو در میان کشورهای اسلامی، اختلافات ارضی دو و چند جانبه میان آنها است، دلیل اصلی این درگیری‌ها وجود دوران استعمار و سلطه مستقیم کشورهای خارجی بر ممالک اسلامی بوده که با دامن زدن قدرت‌های استعماری به اختلافات قومی، فرقه‌ای و زبانی اوج گرفته است (جناتی، ۴۱۰)، میل به قدرت طلبی، خود خواهی و خود محوری نیز می‌توانند از عوامل ایجاد تفرقه میان کشورهای اسلامی باشد (همان).

علاوه بر عوامل منطقه‌ای واگرایی میان کشورهای اسلامی، می‌توان به عوامل فرامنطقه‌ای در این زمینه اشاره کرد؛ بسیاری از شخصیت‌ها دنیای اسلام در تشریح عوامل فرا منطقه‌ای، دشمنان را بهره برداران اصلی از اختلاف‌های نژادی و منطقه‌ای برای ضربه زدن به اسلام می‌دانند. دشمنان اسلام می‌دانند تنها راه نفوذ در جوامع اسلامی اختلاف افکنی میان مسلمانان است، زیرا این واگرایی‌ها باعث شد تا قدرت‌های استعماری بتوانند به راحتی از منابع مادی و معنوی مسلمین بهره برداری کنند (صحیفه امام خمینی، ۲۹۵/۶).

گفتگو، راهبرد رسیدن به آرمان وحدت اسلامی ۱۷

تبلیغات اجانب علیه اسلام، یکی از راه‌های دشمنان اسلام در جهت خدشه وارد کردن به وحدت و ایجاد گفتگو میان مسلمانان است؛ آنها دین را به بدترین شکل در جوامع معرفی می‌کنند تا قدرت اسلام در جوامع کمرنگ شود و مردم از دین و رهبران آن فاصله بگیرند (همان، ۲۹۴/۶).

راهبردهای عملی تحقق گفتگو و وحدت میان فرق اسلامی:

اندیشمندان، راهبردهای گوناگونی برای تحقق و شکل‌گیری وحدت در میان جوامع اسلامی پیشنهاد می‌دهند، عده‌ای همچون شیخ ابوزهره (استاد دانشگاه الازهر) معتقدند برای رسیدن به وحدت فکری و گفتگو بین مسلمانان باید گروهی علمی برای بررسی گذشته اسلام و ملت‌های اسلامی تشکیل داد تا ضمن شناخت گذشته مسلمانان به شناخت احکام مشغول شوند و به ایجاد راه‌های تماس جدید و گفتگو میان مسلمانان دست یابند بدین ترتیب می‌توان مانع بروز جنگ احتمالی میان کشورهای اسلامی شد و به احیای یک زبان واحد مسلمین یعنی زبان قرآن و سنت همت گماشت (بی‌آزارشیرازی، ۱۶۳/۱). این گروه بر پایه شناخت تاریخی از تمامی فرق و ملل اسلامی بر جلوگیری از رویارویی‌های احتمالی میان دول اسلامی تأکید دارند؛ هر چند ابزار تحقق این خواسته، تحقق ارتباط و گفتگو میان گروه‌ها و نهادهای غیر دولتی است ولی در آخر این دولت‌های اسلامی هستند که باید مجری این پیشنهادات و راهکارهای اصلاح‌گراانه باشند. بنابراین تحقق این آرمان همواره با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده است و تا کنون نتوانسته است به صورت ملموس تحقق پیدا کند.

برخی دیگر، امپریالیسم و صهیونیسم را به عنوان یک پدیده شیطنی واحد میان جوامع اسلامی و مانع نزدیکی میان مسلمانان مطرح می‌کنند که با ایجاد و دامن زدن به اختلاف‌ها سعی دارند به منافع مسلمین ضربه وارد کنند (کاشف الغطاء، ۹۳) و تنها راه علاج را تشکیل کنگره‌ها و کنفرانس‌های اسلامی به صورت سالیانه میان علما و عقلاهی تمام کشورهای اسلامی می‌دانند (همان، ۳۹۱/۲). این دیدگاه به علاوه بر ارایه

راه حل در سطح کلان (دولت‌ها)، به گفتگو میان رهبران و اندیشمندان فرق اسلامی تاکید فراوان دارد ولی نقطه ضعف این دیدگاه این است که با تمرکز بر دشمنان خارجی، کمتر به اختلافات درونی دولت‌ها و جوامع اسلامی در ایجاد مانع در گفتگو و تماس میان مسلمین توجه دارند.

عده‌ای دیگر از اندیشمندان برای رسیدن به وحدت میان مسلمین عواملی چون کسب فضائل اخلاقی و تحکیم مبانی تربیتی و فرهنگی جامعه اسلامی (اسدآبادی، ۱۶۴/۱)، مبارزه با استعمار فرهنگی و غرب زدگی (موثقی، ۳۱۵/۱)، دوری از تعصب دینی و همبستگی در عقاید (اسدآبادی، ۱۴۲/۱)، مبارزه با استبداد داخلی و برقراری حکومت اسلامی (موثقی، ۳۱۹/۱) و مبارزه با استعمار خارجی (همان، ۳۲۲/۱) را مورد توجه قرار می‌دهند. در این راه حل‌ها تاکید اصلی بر شناخت خویشتن اسلامی و تاکید بر مولفه‌های فرهنگی و هویتی است.

نتیجه گیری

با جمع بندی تمامی عناصر واگرا مانند تفاوت در مذهب و حتی تضاد در منافع و دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی می‌توان همواره امیدوار بود که با توسل به اشتراکات دینی بتوان ابتدا در سطح اندیشمندان و متفکران جهان اسلام جریانی از گفتگو و هم اندیشی را آغاز نمود تا این راهبرد، زمینه را برای گفتگوهای میان سران سیاسی کشورهای اسلامی بر اساس اشتراکات دینی و منطقه‌ای فراهم گرداند. یکی از نقاط ضعف پیرامون گفتگوی دنیای اسلام همواره عدم درک مناسب دغدغه‌های فکری و امنیتی و... مذاهب اسلامی از یکدیگر است، که این خود بازگو کننده عدم وجود سازوکاری مشخص و سازمان یافته در راستای نزدیکی و گفتگوی میان تمامی مذاهب اسلامی است که این نوشتار سعی کرد با برشمردن اشتراکات نیرومند و بنیانی میان تمامی مسلمانان نشان دهد که می‌توان با تکیه بر این اشتراکات راه گفتگو و تعامل و در پایان آرمان وحدت میان مسلمانان را هموار کرد.

منابع

۱. اباذری، عبدالرحیم، (۱۳۸۳) آیت‌الله بروجردی (آیت اخلاص)، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران.
۲. ابن خلدون، مقدمه، مترجم پروین گنابادی، تهران، نشر علمی و فرهنگی، بی تا.
۳. احسانبخش، شیخ صادق، آثار الصادقین، رشت، جاوید، بی تا
۴. اسدآبادی، سید جمال (۱۳۵۵)، عروه الوثقی، کابل، بیهقی.
۵. افشار، اسدالله، (۱۳۹۰)، عصر بیداری ملت ها، تهران، الماس دانش.
۶. امین، احمد، (بی تا)، زعما الاصلاح فی عصر الحدیث، بیروت، دارالکتب العربی.
۷. اولیایی، احمد، (۱۳۸۶)، حیل الله، قم، ابتکار دانش.
۸. بابایی، غلامرضا، (۱۳۶۹)، فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل تهران، سفیر.
۹. بهرامی، غلامرضا، (۱۳۷۸)، وحدت اسلامی، قم، نشر سبز،
۱۰. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۴۰۳ق) توحید کلمه، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۵۰) همبستگی مذاهب اسلامی، تهران، امیر کبیر.
۱۲. ترجمه نهج البلاغه، (۱۳۸۳)، ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین.
۱۳. تسخیری، محمدعلی، (۱۳۸۳)، درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ترجمه محمد مقدس، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۴. جعفریان، رسول، (بی تا)، سیره رسول خدا (ص)، بی جا. موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
۱۵. جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۱)، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، قم، نشر انصاریان.
۱۶. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، پنجم.
۱۷. حسینیان، روح‌الله، (۱۳۸۱)، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۴۰)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
۱۸. حکیم، محمد باقر، (۱۳۸۳)، وحدت اسلامی، بی جا، انتشارات نوجوان.
۱۹. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، حکیمی، محمدرضا، (۱۳۶۰) مشعل اتحاد، بی جا، موسسه انجمن کتاب.
۲۰. حلبی، علی اصغر، (۱۳۷۴)، تاریخ نهضت‌های دینی-سیاسی معاصر، تهران، بهبهانی.
۲۱. خدوری، مجید، (۱۳۶۶)، گرایشهای سیاسی در جهان عرب، مترجم عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۲۰. حبل المتین - شماره دهم - ۱۳۹۴ / امید حسین‌خانی و محمد رجایی‌نژاد
۲۲. خسروی، محمدعلی، (۱۳۷۸)، آرمانشهر وحدت، تهران، عروج.
۲۳. دشتی، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ سخنان پیامبر اکرم(ص)، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
۲۴. ذاکری، محمداسحاق، (۱۳۸۸)، اندیشه‌های تقریبی شرف‌الدین عاملی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۲۵. ری شهری، محمد، (۱۳۸۸)، میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
۲۶. زررین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۹)، کارنامه زرین اسلام، تهران، امیرکبیر.
۲۷. زنجانی نجفی، عبدالکریم، (۱۳۸۴)، یگانگی اسلام، مترجم عطا محمد سردارنیا، بی جا، قضا نجف.
۲۸. سیدرضی، محمد بن الحسین، (۱۳۸۴)، نهج البلاغه، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، تهران، ذکر.
۲۹. سعیدی، گل بابا، (۱۳۸۸)، فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی ابن عربی، تهران، زوار.
۳۰. شرف‌الدین، عبدالحسین، (۱۳۶۹ق)، اجتهاد در مقابل نص، ترجمه علی دوانی، بی جا، کتابخانه اسلامی.
۳۱. شیخ رئیس قاجار، ابوالحسن میرزا، (۱۳۶۳)، اتحاد اسلام، تهران، تاریخ ایران.
۳۲. شیخ صدوق، (بی تا) توحید الصدوق، قم، جامعه مدرسین.
۳۳. شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۷۸)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، نشر دانشگاهی.
۳۴. صدیقی، کلیم، (۱۳۸۴)، مسائل نهضت‌های اسلامی، مترجم هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات.
۳۵. عنایت، حمید، (۱۳۵۸)، سیری در اندیشه سیاسی غرب، تهران، امیرکبیر.
۳۶. کاشف‌الغطا، محمدحسین، (بی تا)، نامه‌ای از امام، مترجم ف ج، تهران، توحید.
۳۷. -کاشف‌الغطا، شیخ محمد حسین، (بی تا)، امنیت آئین ما، قم، نسل جوان.
۳۸. کوهستانی نژاد، مسعود، (۱۳۸۱)، چالش مذهب و مدرنیسم، تهران، نی.
۳۹. کرمانی، ناظم الاسلام، (بی تا)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، آگاه.
۴۰. گوهرین، سیدصادق، (۱۳۸۸)، شرح اصطلاحات تصوف، تهران، زوار.
۴۱. لطفی، مهدی، (۱۳۷۸) جرعه نوش غدیر، قم، نسیم حیات.
۴۲. متقی هندی، (بی تا)، کنز العمال، بیروت، الرساله.
۴۳. مشکور، محمدجواد، (۱۳۶۸)، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۴۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، تکامل اجتماع، تهران، صدا.

گفتگو، راهبرد رسیدن به آرمان وحدت اسلامی ۲۱

۴۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷)، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۴۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، شش مقاله، قم، صدرا.
۴۸. مقتدر، هوشنگ، (۱۳۷۰)، سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی تهران، مفهرس.
۴۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، الوفا.
۵۰. معزالدین، محمد سعید، (۱۳۷۴)، آوای وحدت، مجمع جهانی تقریب.
۵۱. موثقی، سید احمد، (۱۳۷۵)، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۲. محیط طباطبایی، محمد، (۱۳۷۲)، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۳. موسوی، سید موسی، (۱۳۹۰)، عوامل و آسیب‌های وحدت اسلامی از منظر قرآن، قم، ابوالحسنی.
۵۴. نهج الفصاحه (۱۳۹۰)، کلمات قصار حضرت رسول، ابوالقاسم پاینده، مشهد، هاتف.
۵۵. واتقی، صدر، (۱۳۴۸)، سیدجمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، تهران، سهامی انتشار.